

بازتاب انقلاب اسلامی ایران بر ایالات متحده آمریکا

* غلامرضا خواجه‌سروی

** الهه خانی‌آرانی

چکیده

انقلاب اسلامی ایران انقلابی بزرگ است که در سطوح منطقه‌ای و بین‌المللی بازتاب گسترده‌ای داشته و انقلابی تأثیرگذار بوده است. در این پژوهش، بازتاب انقلاب اسلامی (ستیزه‌جویانه و حمایت‌گرانه) بر ایالات متحده آمریکا به عنوان ابرقدرت جهانی و بزرگ‌ترین دشمن جمهوری اسلامی بررسی خواهد شد. فرضیه پژوهش آن است که در درجه نخست، انقلاب اسلامی ایران بر سیاست و حکومت ایالات متحده تأثیرات فزاینده‌ای داشته است. دیگر آنکه انقلاب اسلامی به‌رغم همه محدودیت‌ها و موانع، بر مسلمانان، شیعیان و برخی روشن‌فکران آمریکایی، بازتاب حمایت‌گرانه

* دانشیار علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبایی (khajehsarvy@yahoo.com).

** کارشناسی ارشد علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبایی

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۱/۹/۳۰

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۶/۱۵

فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل، دوره نخست، شماره ششم، زمستان ۱۳۹۱.

داشته است. تقویت رفتارها و حساسیت‌های اسلامی، رشد گرایش به اسلام و تشیع، افزایش مطالبات سیاسی مسلمانان و نهادهای همسو با انقلاب اسلامی، نمودهای عینی این نوع بازتاب‌ها هستند.

واژه‌های کلیدی: بازتاب انقلاب اسلامی، ایالات متحده آمریکا، صدور انقلاب، قدرت نرم.

مقدمه

انقلاب اسلامی ایران انقلابی بزرگ است که در سطوح منطقه‌ای و بین‌المللی بازتاب گسترده‌ای داشته و انقلابی تأثیرگذار بوده است. این تأثیرگذاری طبیعتاً در هر سه بعد کارگزاری، ساختاری و کارکردی در سطح منطقه خاورمیانه بیشتر از سطح بین‌المللی است، ولی انقلاب اسلامی بازتاب و تأثیراتی فراتر از منطقه نیز داشته است. انقلاب اسلامی همچنین بازتاب‌هایی بر ایالات متحده - همچون سایر کشورها - داشته است. بررسی نمودهای عینی بازتاب‌های حمایت‌گرانه (همسو با انقلاب اسلامی) و ستیزه‌جویانه (ناهمسو با انقلاب اسلامی) موضوع این پژوهش را تشکیل می‌دهد. بررسی کلی در متون موجود در این خصوص نشان می‌دهد که تاکنون در موضوع موردنظر (بازتاب انقلاب اسلامی بر ایالات متحده) پژوهش قابل توجهی صورت نگرفته و به شکل منسجم به این موضوع پرداخته نشده است. این در حالی است که عمده مطالعات در این باره در حوزه سیاست و روابط خارجی ایران و آمریکا و زیر مباحث مرتبط با مناسبات اسلام و غرب قرار می‌گیرند و محققان بیشتر به ابعاد دیگر بازتاب انقلاب اسلامی، به‌ویژه بر کشورهای مسلمان پرداخته‌اند. شناخت ابعاد مختلف تأثیرگذاری انقلاب اسلامی بر آمریکا، راه‌های تقویت و ارتقای این تأثیرگذاری را روشن‌تر و امکان بهره‌گیری از فرصت‌ها و کاهش تهدیدات را افزون‌تر خواهد کرد.

در این پژوهش بیان می‌شود که انقلاب اسلامی در ایالات متحده - به عنوان سرسخت‌ترین کشور در تقابل - نسبت به سایر کشورهای غربی کمترین بازتاب‌های حمایتی و حداکثر بازتاب ستیزه‌جویانه را تجربه کرده است؛ با این حال، علاوه بر تأثیرات فزاینده انقلاب اسلامی ایران بر سیاست و حکومت ایالات متحده، به‌رغم

همه محدودیت‌ها و موانع، در بین مسلمانان، شیعیان و برخی روشن‌فکران آمریکایی، بازتابی حمایت‌گرانه داشته است. تقویت رفتارها و حساسیت‌های اسلامی، رشد گرایش به اسلام و تشیع، افزایش مطالبات سیاسی مسلمانان و نهادهای همسو با آرمان‌های انقلاب اسلامی، نمودهای عینی این نوع بازتاب‌ها هستند. اگرچه نسبی بودن اثرات این پدیده - همچون سایر پدیده‌های مشابه - محرمانه و سیاسی بودن اطلاعات، کلانی متغیرها و پیچیده شدن تحلیل و تئوری از جمله موانعی هستند که سبب می‌شوند تا نتوان مقیاسی دقیق برای اندازه‌گیری میزان این اثرات و بازتاب‌ها ارائه داد.

به‌طورکلی مدعای اثرگذاری انقلاب اسلامی به دو روش قابل طرح و دفاع است. روش نخست با توجه به اعترافات و اطلاعات مستقیم، آشکار و بدیهی و همچنین تحلیل، استدلال و اثبات غیرمستقیم به بحث اثرگذاری انقلاب اسلامی می‌پردازد (حشمت‌زاده، ۱۳۸۷: ۲۹۲). روش دوم، استفاده از شیوه‌های آمایش اطلاعات، اصل توالی، اصل تقارن، اصل تشابه و روش تاریخی و جغرافیایی به اثبات بازتاب انقلاب اسلامی در کشورها کمک کند (حشمت‌زاده، ۱۳۸۷: ۲۶ و ۳۷). در سنجش بازتاب‌های انقلاب اسلامی بر آمریکا، علاوه بر اعترافات و اطلاعات مستقیم با استناد به مطالعه تطبیقی از اصل تشابه و هم‌شکلی (مثلاً همسویی شعارها و تجمعات اعتراضی، گسترش رفتارهای مذهبی و غیره) استفاده شده است.

۱. چهارچوب نظری

در تبیین بازتاب انقلاب اسلامی ایران همچون سایر انقلاب‌ها به رهیافت‌های نظری متعددی مانند نظریات هم‌گرایی منطقه‌ای و جهانی، کارکردگرایی، نظریه پخش و غیره توجه شده است. در این پژوهش با در نظر گرفتن شرایط مختلف بازتاب‌های انقلاب اسلامی ایران بر ایالات متحده، مانند دوری سرزمینی، بافت فرهنگی - اجتماعی نامتجانس و نوع بازتاب‌ها که به طور معمول فرهنگی بوده است، «نظریه پخش» را در بازانديشی این تأثیرات برگزیده‌ایم. نظریه پخش یا اشاعه به دلیل ماهیت فرهنگی آن قابلیت تفسیری یا توضیحی قابل توجهی برای نشان دادن تأثیرات فرهنگی انقلاب اسلامی بر سایر نواحی دارد (Kuper 1985. P.203). اشاعه یا

پخش عبارت است از فرایندی که بر اساس آن امری فرهنگی که علامت مشخصه یک جامعه است، در جامعه‌ای دیگر به عاریت گرفته و پذیرش می‌شود (پانوف میشل، ۱۳۶۸: ۱۱۳). در مطالعه موردی بازتاب‌های هر نوآوری سیاسی از جمله بازتاب‌های انقلاب اسلامی ایران بر کشورها بر اساس «نظریه پخش»، مبدأ و مقصد پخش، بازه زمانی، ابزارها، کانال‌ها و درنهایت موضوع پخش مورد واکاوی قرار می‌گیرند. همچنین موانع پخش و امواج رقیب از عوامل کاهش‌دهنده پخش به شمار می‌روند که در بررسی بازتاب‌های پدیده و پخش آن باید لحاظ شوند (برزگر، ۱۳۸۲: ۲۹).

۱-۱. مبدأ پخش: مکانی است که خاستگاه نوآوری و صدور پیام‌ها و ارزش‌های جدید است.

۲-۱. مقصد پخش: مکان‌هایی است که محتوای پخش یا جریان مداوم پخش به این مکان‌ها می‌رسد.

۳-۱. زمان: سومین عامل پخش، دوره زمانی است که می‌تواند به صورت مداوم و یا به حالت دوره‌های متمایز از یکدیگر و متوالی در نظر گرفته شود. انتشار و پخش پدیده‌ها به نقاط دورتر مستلزم صرف زمان بیشتری است. با این حال، برخی پژوهش‌ها بر این امر تأکید دارند که گذشت زمان از عوامل کاهش‌دهنده اشاعه پدیده‌هاست.

۴-۱. موضوع پخش: از موضوعات فرهنگی مانند موزیک راک‌اند رول یا گسترش مدهای لباس یا فیزیکی - فرهنگی همچون مبارزات انقلابی و چریکی دهقانان روسیه و انقلابی‌های کوبا تا شیوع امراض واگیردار و نوآوری‌های کشاورزی همگی می‌توانند موضوع پخش قرار گیرند.

۵-۱. مسیرها و ابزارهای پخش: کشورها برای افزایش تأثیرگذاری خود بر دیگران، فراتر از پخش غیرارادی یا رفلکسی، گاهی خود عامل پخش شده و با اتخاذ سیاست‌های صدور خود، امکان انتقال ایدئولوژی خود را فراهم می‌سازند؛ برای نمونه در جمهوری اسلامی ایران به اصل صدور انقلاب با استفاده از چهار استراتژی الگوسازی، تبلیغ و آگاه‌سازی، آموزش و حمایت از نهضت‌های آزادی‌بخش (محمدی، ۱۳۸۱: ۷۱) در تعامل با سایر کشورها توجه شده است.

۱-۶. موانع پخش: موانع، چالش‌ها و امواج رقیب ممکن است امواج پخش پدیده را مغشوش ساخته و آن را از مسیر صحیح منحرف کنند (برزگر، ۱۳۸۲: ۲۹).

۲. بازتاب انقلاب اسلامی بر ایالات متحده امریکا

بازتاب‌های انقلاب اسلامی ایران (مبدأ پخش) بر ایالات متحده (مقصد پخش) در زمان‌های متفاوت، به گونه‌ای سیال دچار قبض و بسط می‌شود که در تجزیه و تحلیل این موضوع بایستی لحاظ شود. انقلاب اسلامی ایران بر دولت، جامعه و کانون‌های گوناگون پذیرا در این کشور، تجارب تأثیرگذاری متفاوتی برجای گذارده است.

۱-۲. موضوع پخش انقلاب اسلامی

موضوع پخش انقلاب اسلامی طیف متنوع و وسیعی از انواع تأثیرات اعم از حمایت‌گرانه و ستیزه‌جویانه را تشکیل می‌دهد. لباس و پوشاک اسلامی و متناسب با فرهنگ بومی، حضور بیشتر در مساجد و مکان‌های مذهبی و رونق‌گیری مساجد با جوانان، تأسیس و گسترش سازمان‌های مذهبی و مبارز، جدی شدن موضوع دین برای جوامع مسلمان‌نشین، ترویج و تقویت آرمان مبارزه با اسرائیل، ایده وحدت اسلامی مسلمانان و ایجاد قطب و ابرقدرت اسلامی، تأکید بر اسلام به‌مثابه راه‌حل مبارزه اسلام یا به‌منزله راه‌حل زندگی از جمله بازتاب‌های حمایت‌گرانه انقلاب اسلامی به شمار می‌رود. برعکس، تحولات سیاسی و امنیتی، تأسیس و گسترش سازمان‌های دولتی و غیردولتی برای مقابله با جمهوری اسلامی، جنگ روانی و رسانه‌ای علیه انقلاب اسلامی و غیره در زمره بازتاب‌های ستیزه‌جویانه انقلاب اسلامی محسوب می‌شوند.

۱-۱-۲. انقلاب اسلامی ایران و دولت ایالات متحده امریکا

پیروزی انقلاب اسلامی ایران در اولین گام، موجب سقوط نظام ستم‌شاهی شد و معادلات سیاسی بین‌المللی، منطقه‌ای و داخلی را بر هم زد؛ بدین ترتیب مطامع امریکا در ایران و منطقه شدیداً مورد تهدید قرار گرفت. در سطح عملی، از دست دادن شاه ایران، آسیب واقعی و جدی به حضور ایالات متحده در خاورمیانه بود (بوستون و دیگران، ۱۹۷۹: ۱۲۶۲). مجموعه تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی

حاصل از پیروزی انقلاب اسلامی باعث شد امریکا به عنوان یک قطب قدرت به مواجهه و مقابله با انقلاب اسلامی به منظور مهار و سد نفوذ آن بپردازد و در نتیجه راهبردها و سیاست خارجی ایالات متحده امریکا در سه حوزه استراتژیک «نظام بین‌الملل»، «نظام منطقه‌ای خاورمیانه» و حوزه «جغرافیای سیاسی ایران»، دچار تحول و فروریختگی شد.

۲-۱-۲. تأثیرات انقلاب اسلامی بر ایالات متحده در حوزه نظام بین‌الملل: تغییر چهره

جهانی‌ایالات متحده و گفتمان امریکایی حاکم بر نظام بین‌الملل

پیروزی انقلاب اسلامی پیامدهای مستقیم و غیرمستقیمی بر نظام بین‌الملل، عناصر و فرایندهای درونی آن داشته است. به‌رغم اینکه انقلاب اسلامی در اوج تحکیم و تثبیت نظام دوقطبی ظهور کرد، در اولین گام، نظام دوقطبی را به چالش کشاند. نخست بر اثر سقوط رژیم شاه به عنوان مهم‌ترین متحد استراتژیک امریکا در خاورمیانه، موازنه قوا به ضرر ابرقدرت غرب بر هم خورد؛ با فروپاشی بلوک شرق نیز، امریکایی‌ها تلاش کردند با ایده نظم نوین جهانی، ساختار قدرت ایالات متحده را با کارکرد هژمونیک بازسازی و نظام جهانی را به سمت نظام تک‌قطبی به رهبری خود هدایت کنند، اما قدرت نوظهور و اثرگذار انقلاب اسلامی ایران یکی از مهم‌ترین موانع برای تشکیل این نظم فراگیر به شمار می‌آمد.

تأثیر دیگر انقلاب اسلامی بر ساختار مادی نظام بین‌الملل، شکل‌گیری الگوهای جدیدی از توازن و اتحاد درون منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای بود؛ حتی برخی تحلیلگران، تحولات و توالی بحران‌های منطقه‌ای با برد و تأثیر بین‌المللی چون اشغال کویت به‌وسیله عراق، جنگ دوم خلیج فارس، حادثه ۱۱ سپتامبر و اشغال عراق را نیز معلول معادلات قدرت جدید شکل‌گرفته بر اثر انقلاب اسلامی می‌دانند. افزون بر تأثیرات انقلاب اسلامی بر ساختار مادی نظام بین‌الملل، پیامد و بازتاب دیگر انقلاب اسلامی، در چهارچوب به چالش کشیدن ساختار غیرمادی (ارزش‌ها و هنجارهای) حاکم بر نظام بین‌الملل است. مهم‌ترین بازتاب غیرمادی و گفتمانی انقلاب اسلامی در روابط بین‌الملل، احیای نقش دین و مذهب در عرصه بین‌المللی است که بنیاد سکولار روابط بین‌الملل را در عمل و تئوری به چالش کشیده است

(دهقانی، ۱۳۸۷). بر اساس گفتمان نوظهور و قدرتمند انقلاب اسلامی منازعه اساسی میان دولت‌ها نیست، بلکه منازعه واقعی و نهایی از سوی میان صاحبان قدرت و زور و توده‌های مردم و از سوی دیگر جنگ واقعی میان مستکبران و مستضعفان جهان است. از این منظر می‌توان به ظهور اسلام‌گرایی حاصل از انقلاب اسلامی در تخریب و فرسایش هژمونی امریکایی توجه کرد.

۳-۱-۲. تأثیرگذاری انقلاب اسلامی بر راهبردهای کلان سیاسی، امنیتی و اقتصادی ایالات متحده در حوزه منطقه خاورمیانه

پیامدهای امنیتی انقلاب اسلامی، چندجانبه و بر امنیت راهبردی امریکا تأثیرگذار بوده است. انقلاب اسلامی در وهله نخست، حلقه امنیتی ایالات متحده در جنوب غربی آسیا را گسست و این کشور را به اتخاذ راهبردهایی جدید برای جلوگیری از گسترش موج اسلام‌خواهی و حفظ منافع بین‌المللی خود در منطقه مجبور کرد. بازتاب انقلاب اسلامی ایران بر راهبردهای امریکا در خلیج فارس، سبب ایجاد تحول در الگوی مداخله منطقه‌ای امریکا از غیرمستقیم به مداخله مستقیم در منطقه خلیج فارس و توجه روزافزون به تهدیدهای نامتقارن گردیده است. ایالات متحده در گام اول با روی آوردن به مداخله مستقیم نظامی و ایجاد نیروی واکنش سریع و نهادینه کردن فعالیت نیروهای نظامی خود در قالب ستاد فرماندهی مرکزی و همیاری در ایجاد شورای همکاری خلیج فارس، در برابر انقلاب اسلامی از خود واکنش نشان داد. در مرحله بعد حمایت همه‌جانبه از عراق در جنگ علیه ایران و در نهایت رویارویی مستقیم با نظام جمهوری اسلامی در راستای الگوی موازنه‌سازی منطقه‌ای، در دستور کار سران این کشور قرار گرفت. با فروپاشی شوروی و با اشغال کویت از سوی عراق، ایالات متحده برای حفاظت از شاه‌رگ حیاتی نفت، رهبری مداخله نظامی در منطقه خلیج فارس را در راستای ایجاد نظم نوین منطقه‌ای و جهانی عهده‌دار گردید و به دنبال آن با گسترش حوزه منافع ملی و افزایش مداخلات مستقیم، سیاست محصورسازی دوگانه را در منطقه، جایگزین سیاست تجهیز یکی در مقابل دیگری کرد. با روی کار آمدن نومحافظه‌کاران در ایالات متحده برای تضمین امنیت اسرائیل، تثبیت هژمونی خود و تسلط بر منابع انرژی و به‌ویژه

از بین بردن زمینه‌های استقرار حکومت دینی به سبک جمهوری اسلامی در کشورهای منطقه، طرح استقرار ارزش‌های دموکراتیک را در خاورمیانه موسوم به طرح خاورمیانه بزرگ ارائه داد.

نومحافظه‌کاران امریکایی خود به این امر تصریح کرده‌اند که ایران، مهم‌ترین و اصلی‌ترین عنصر در خاورمیانه و جهان اسلام است (حسینی، ۱۳۸۳: ۱۹۶). گری سیک عضو ستاد کمیسیون امنیت ملی در امور ایران و معاون ارشد برژینسکی در طول بحران گروگان‌گیری، معترف است که تأثیر ایران بیش از تأثیری علمی و آکادمیک بود؛ ایران تأثیری ژرف بر تدوین و اجرای سیاست ایالات متحده در قبال خاورمیانه بزرگ‌تر داشته است (Sick, All Fall Down: 221) و (Fuller, 1994: 92).

۴-۱-۲. تغییر راهبردهای ایالات متحده در قبال اسلام و اسلام سیاسی

مهم‌ترین تأثیر بین‌المللی انقلاب اسلامی از طریق ارتقای جایگاه خاورمیانه ناشی از احیای اسلام سیاسی به عنوان یک نیروی تأثیرگذار در سطوح منطقه‌ای و بین‌المللی بوده است. انقلاب اسلامی در ایران نشان‌دهنده نخستین رویارویی عمده با گفتمان اسلام سیاسی بود. با استقرار این نظام سیاسی اسلامی در ایران است که غرب عنوان «اسلام سیاسی»^۱ و رهبری آن را در جهان به ایران نسبت می‌دهد. به گفته گراهام فولر: «قبل از انقلاب (اسلامی) ایران، ایالات متحده هرگز از اسلام سیاسی چیزی نشنیده بود، انقلاب ایران شوک عمده‌ای برای سیاست ایالات متحده بود. ایالات متحده به همراه اکثر کشورها در غرب و دیگر مناطق از اسلام سیاسی بیمناکند و به‌طور کلی ترجیح می‌دهند اسلام سیاسی به قدرت نرسد» (فولر، ۱۳۷۶: ۳۱-۳۰). به همین دلیل، فواز جرجیس معتقد است شمار رویدادهایی که تأثیر آنها بر اندیشه و سیاست ایالات متحده بیشتر از تأثیر انقلاب ایران و اسلام سیاسی در سال ۱۹۷۹ بوده است، انگشت‌شمار است (جرجیس، ۱۳۸۲: ۱۲۰). حتی گفته می‌شود یکی از علل عمده مخالفت سایروس ونس وزیر خارجه پیشین امریکا با انجام مأموریت نظامی برای نجات گروگان‌های امریکایی در ایران، شیخ جنگی میان اسلام و غرب بود: «امام خمینی و پیروانش که عاشق شهادت هستند، واقعاً ممکن است از اقدام

نظامی امریکا به عنوان راهی برای اتحاد جهان اسلام علیه غرب، استقبال کنند» (Simon & Schuster, 1983: 408-410). کریستوفر نیز معتقد است بحران گروگان‌گیری که بیش از چهارده ماه به طول انجامید، بیانگر چیزی بیش از آزمون خواسته‌های ایالات متحده و ایران بود؛ این رویداد نوعی رویارویی فرهنگ‌ها بود (Christopher, ed, 1985: 7).

از این رو، تجربه انقلاب اسلامی در ایران تا حد زیادی نگرش‌های نخبگان سیاست خارجی ایالات متحده درباره کل پدیده احیاگری اسلامی را شکل داده است و واشنگتن از انقلاب ایران به عنوان معیار اولیه برای سنجش جنبش‌های اسلام‌گرای احیاشده در سراسر خاورمیانه و شمال آفریقا استفاده می‌کند (جرجیس، ۱۳۸۲: ۲۱۹). به این ترتیب، «اسلام‌گرایی» به عنوان تهدیدی امنیتی برای منافع ایالات متحده، جایگزین ملی‌گرایی سکولار گردید و هراس از برخورد میان اسلام و غرب در اندیشه امریکایی‌ها تبلور یافت؛ برای مثال مقامات امریکایی خود اذعان کرده‌اند که واکنش دولت بوش به بحران الجزایر تحت تأثیر هراس این کشور از انقلاب اسلامی در ایران بود. وقتی بحران الجزایر به وقوع پیوست، ایران اصول‌گرا در اندیشه تصمیم‌گیرندگان امریکایی تداعی شد (Interview, 30 March 1995). همین واقعیت، تصمیم دولت بوش پس از جنگ خلیج (فارس) را توجیه می‌کند که به رژیم عراق اجازه داد قیام شیعیان را سرکوب کند، از ترس اینکه مبادا حرکت شیعیان عراق، قدرت ایران اسلامی را افزایش دهد و اتحادهای جدیدی برای محدود کردن تأثیر و نفوذ ایران تأسیس کند (جرجیس، ۱۳۸۲: ۱۴۲). البته چالش‌های سیاسی، اقتصادی و امنیتی امریکا با جمهوری اسلامی به اعتراف بعضی از مقامات ایالات متحده نتوانسته است از گسترش بیداری اسلامی حتی در داخل اروپا و امریکا جلوگیری کند.

۵-۱-۲. تأثیرگذاری انقلاب اسلامی بر سیاست خارجی امریکا در حوزه جغرافیای سیاسی ایران

۵-۱-۲-۱. تشتت در سیاست خارجی امریکا در قبال جمهوری اسلامی و اسلام سیاسی

سردرگمی و تشتت در نحوه مواجهه با ایران از ماه‌ها پیش از پیروزی انقلاب اسلامی در دستگاه سیاست خارجی ایالات متحده درباره اتخاذ مؤثرترین رویکرد

برای سازش با انقلابیان جدید هویدا شد. طرف‌داران تغییر در درون دولت کارتر معمولاً درباره مسئله ایران دچار سردرگمی بودند (Rubin, 1980: 197). هامیلتون جوردن^۱ رئیس ستاد کارتر نوشت: «ما در ایران با مردمی عجیب و غریب مواجه هستیم» (G.P.Puntam's Sons, 1982: 39). توصیه‌های متعارض، منجر به عدم تصمیم‌گیری و بروز بی‌ثباتی در دولت کارتر شد و این امر به نوبه خود سبب گردید رئیس‌جمهور به توصیه‌های برژینسکی عمل کند. پس از خروج شاه از ایران، کارتر گفت: «تهدید کودتای نظامی بهترین شیوه برای پیشگیری از به قدرت رسیدن امام خمینی است» (جرجیس، ۱۳۸۲: ۱۲۳-۱۲۱).

ریگان نیز در اوج سال‌های جنگ سرد، کمونیسم را به عنوان دشمن واقعی تلقی می‌کرد، نه اسلام‌گرایی را. ریچارد کوتام می‌گوید، سیاست خارجی امریکا در اواسط دهه ۱۹۸۰ بین دو گرایش کاملاً متضاد تقسیم شد. اعضای شورای امنیت ملی خواهان کنار آمدن با اسلام سیاسی در جهت مهار شوروی بودند، در صورتی که نگرش مسلط وزارت خارجه، سیاستی را ترویج می‌داد که با نظام‌گیری اسلامی و ایران به عنوان هدفی منفی و برتر برخورد می‌کرد (Cottam, 1993: 282-284). کلیتتون نیز در ابتدا نسبت به تدوین یک سیاست منسجم در قبال ایران مشکل داشت. دولت او نیز به جای پذیرش و همکاری با ایران پساانقلابی از سال ۱۹۹۵، جنگ اعلام‌نشده اقتصادی، سیاسی و پنهانی علیه جمهوری اسلامی را آغاز کرد. دامنه اختلاف‌نظرها در راهبرد مواجهه با ایران به کابینه‌های بعدی هم رسوخ کرد. در کابینه جورج بوش درحالی‌که رابیس وزیر خارجه بر ایده دیپلماسی و مذاکره با ایران تأکید می‌کرد، معاونان رئیس‌جمهور دیک چنی، ریچارد پریل و جان بولتون مدعی بودند هر گونه تلاش برای تغییر رفتار و موضع ایران بی‌نتیجه بوده و ماهیت نظام جمهوری اسلامی اصلاح‌ناپذیر است. راهبرد گروه اول با عنوان «راهبرد نرم‌افزاری» و با هدف تغییر رفتار ایران، در مقابله با قدرت روزافزون ایران در میان دولتمردان امریکایی نمود یافت. البته اختلاف و چرخش گفتمانی و نوسان بین «تغییر رژیم» و «تغییر رفتار» در هدف خود فرجامی جز قلب و استحاله ماهیت نظام جمهوری اسلامی جست‌وجو نمی‌کرد. در دولت *اوباما* نیز نامه غیررسمی *رابرت*

گیتس، وزیر دفاع وقت، خطاب به مقامات ارشد کاخ سفید شاهی بر این تشتت و سرگردانی در چگونگی مقابله با جمهوری اسلامی بود. گیتس هشدار داده بود که امریکا برای مقابله با پیشرفت ثابت ایران در مسیر رسیدن به توانایی هسته‌ای، سیاست تأثیربخش بلندمدتی ندارد.

همچنین تشتت در سیاست خارجی ایالات متحده در مواجهه با جمهوری اسلامی، سبب ظهور دو گرایش مختلف «تقابل» و «تعامل» در برخورد با جنبش‌های اسلامی در میان دولتمردان امریکایی گردیده است؛ اگرچه هر دو گرایش هدف واحدی - حذف و از بین بردن نفوذ و حضور اسلام در صحنه‌های سیاسی و بین‌المللی - را دنبال می‌کنند.

۲-۵-۱-۲. ناکامی امریکا در زور آزمایی‌های دوجانبه، منطقه‌ای و بین‌المللی با جمهوری اسلامی از صبحگاه پیروزی انقلاب، تلاقی و اصطکاک جمهوری اسلامی با مداخله‌گرایی ایالات متحده، اقدامات خصمانه واشنگتن علیه تهران را برانگیخته است. برقراری روابط پنهانی با لیبرال‌های نهضت آزادی در دولت موقت بازرگان به منظور انحراف مسیر انقلاب، محاصره اقتصادی و توقیف دارایی‌های ایران (سیاست تحریم) در مقابل تسخیر سفارت امریکا در تهران، خلق ماجرای ناکام طبس (حمله نظامی)، طراحی و اجرای کودتای نافرجام نوژه (کودتای نظامی)، صدور فرمان پنهانی به صدام برای آغاز تهاجم علیه ایران و شدت بخشیدن به حربه ترور (جنگ نیابتی)، بهره‌گیری از راهبرد فشار و دیپلماسی در جریان ایران‌گیت از سوی مک‌فارلین، فشار مطلق و دخالت مستقیم در شامگاه جنگ و اجرای سیاست مهار دوجانبه، سرفصل‌های اقدامات خصمانه‌ای است که از سوی دست‌اندرکاران سیاست خارجی امریکا در دو دهه ابتدایی انقلاب، به‌طور مستقیم و آشکار برای براندازی نظام جمهوری اسلامی ایران، طرح‌ریزی و اجرا شد، اما به‌رغم تحمیل آثار زیان‌بار بر ایران، تمامی این راهبردها با ناکامی مواجه شدند. ظهور گرایش‌های سیاسی نزدیک به غرب پس از خرداد ۷۶ در رأس حاکمیت نظام جمهوری اسلامی، نگاه غرب به تغییر رژیم از طریق شیوه‌های «نرم» در ایران را بیش‌ازپیش تقویت کرد. حمایت از بحران‌سازی‌های پی‌درپی در این دوران، تلاش برای ایجاد تفرقه و تشدید اختلافات

داخلی، تخریب نیروهای انقلابی، ایجاد گسست بین حکومت و مردم، تشکیک در مشروعیت نظام، هراس افکنی دائمی از اقدام نظامی علیه ایران، ایجاد نابسامانی اقتصادی، حمایت همه‌جانبه از تجزیه‌طلبان قومی و غیره از تلاش‌های دائمی ایالات متحده در جهت براندازی نرم نظام اسلامی و با استفاده از فرصت حضور اصلاح‌طلبان در قدرت محسوب می‌شدند. خشم امریکایی‌ها از ناکامی در به زانو درآوردن ایران سبب شد تا کاخ سفید، جمهوری اسلامی را در فهرست «محور شرارت» قرار دهد و جمهوری اسلامی را در پی دستیابی به سلاح‌های کشتار جمعی و برهم‌زننده صلح و ثبات بین‌المللی معرفی کند و تمام تلاش خود را جهت ناکامی ایران در اجرای فعالیت‌های هسته‌ای و انزوای ایران به کار گیرد. در این میان، سیاست خارجی نفوذناپذیر دولت نهم، «نامطلوب‌ترین دولت پس از انقلاب اسلامی» از دید امریکایی‌ها، غرب را بیش از گذشته متقاعد کرد که منافع آنها بیشتر با شکل‌گیری دولت‌های نزدیک‌تر به غرب تأمین می‌شود. در این راستا امریکا از سال ۲۰۰۵ به صورت علنی شروع به اختصاص بودجه‌های کلانی جهت براندازی نظام اسلامی کرد، اما ناکامی جریان سبز در راستای راهبرد نرم فروپاشی از درون، شکست دیگری برای سیاست‌های ایالات متحده در مقابله با جمهوری اسلامی بود. انقلاب اسلامی ایران در سطوح منطقه‌ای و بین‌المللی نیز توانسته است با ارتقای خودآگاهی مستضعفان و احیای خودباوری و بیداری اسلامی، بر اهمیت جنبش‌های آزادی‌بخش اعم از اسلام‌گرا و استعمارستیز به عنوان بازیگران نوین در نظام بین‌الملل تأکید ورزد و بدین ترتیب موازنه قدرت را به نفع جبهه‌ای سوم در نظام بین‌الملل رقم زند. تعبیر جنگ «ایران و امریکا» تعبیری رایج است که این سال‌ها، تحلیلگران به هر تحول جدی در منطقه خاورمیانه اطلاق کرده‌اند. این تعبیر که درباره جنگ سی‌وسه‌روزه در لبنان، بیست‌ودوروزه در غزه و تحولات عراق بارها و بارها تکرار شده است، هر جریان مستقلی را شامل می‌شود که در منطقه و یا حتی در سطح جهان، قدرت و هژمونی امریکا را به چالش می‌کشد.

۲-۲. نمودهای عینی بازتاب انقلاب اسلامی بر جامعه امریکا (حمایت‌گرانه و ستیزه‌جویانه)

انقلاب اسلامی بسته به جوامع مختلف که مخاطب پیام‌هایش قرار می‌گیرند به

عنوان انقلابی بر اساس ارزش‌های معنوی و اخلاقی و مظهر پیروزی اسلام بر نمادهای غیراخلاقی موجب تجلی اخلاقیات و هنجارهای دینی در رفتار اجتماعی گردیده است. طبیعی است که این جوامع گاه دارای محیطی «پذیرا» و مستعد (دارای تجانس فکری، فرهنگی، دینی، اجتماعی و اقتصادی) و گاه «ناپذیرا» باشند. جامعه ایالات متحده نیز از دسته دوم به شمار می‌رود و دارای شکاف‌های عمیق مذهبی، فکری و فرهنگی، زبانی، اقتصادی، نژادی و غیره با انقلاب اسلامی است. ضمن آنکه به دلیل شکاف‌ها و روابط خصمانه سیاسی، دوردست بودن و بعد مسافت و غیره انتظار تأثیر انبوه فرهنگ انقلاب اسلامی بر این کشور نمی‌تواند انتظاری معقول باشد. با این همه به رغم همه موانع و چالش‌ها، کانون‌ها و مقاصد «پذیرا» در امریکا امواج و پیام‌های این انقلاب را جذب و دریافت کرده‌اند؛ مسلمانان و به‌ویژه شیعیان از این کانون‌های مهم به شمار می‌آیند.

۱-۲-۲. افکار عمومی ایالات متحده و انقلاب اسلامی ایران

ایران‌هراسی، اسلام‌هراسی و جنگ روانی گسترده دولت‌های امریکایی علیه انقلاب اسلامی، عملکرد افراطی برخی گروه‌های رادیکال اسلامی به‌ویژه القاعده و غیره (ر.ک: مبحث موانع و چالش‌ها) آسیبی چشمگیر به تصویر موجود از ایران و مسلمانان در ایالات متحده وارد آورده و مانع از اتخاذ سیاستی مسالمت‌جویانه نسبت به اسلام‌گرایان از سوی سیاست‌گذاران ایالات متحده شده است (جرجیس، ۱۳۸۲: ۳۱). بلافاصله پس از انقلاب اسلامی یک نظرسنجی در امریکا نشان داد که جمع زیادی از امریکایی‌ها، اسلام را به عنوان فرهنگی خصمانه و انقلابی شناختند. ۴۴ درصد پاسخ‌دهندگان، همه یا بیشتر مسلمانان را وحشی توصیف کردند، ۴۹ درصد ایرانیان را خائن و حيله‌گر دانستند و ۵۹ درصد نیز معتقد بودند آنان بی‌رحم و جنگ‌افروز هستند (Slade, 1981: 144-145, 147, 157). نظرسنجی دیگری نیز نشان داد که پیوند میان اسلام و ایران در نگاه بیشتر امریکایی‌ها به گونه‌ای است که در پاسخ به این پرسش که واژه‌های «مسلمان» و «اسلام» چه چیزی را به طور مساوی به خود اختصاص دادند، پاسخ می‌دادند «محمد» (ص) و «ایران» (Slade, 1981 : 148-). (149, 157).

بر اثر برجسته‌سازی‌های رسانه‌ای، چهره مسلمانان نیز در نگرش امریکایی‌ها منفی است؛ برای نمونه «مجلس روابط اسلامی - امریکایی» در اکتبر ۲۰۰۴ آماری از تصویر اسلام و مسلمانان در نگاه امریکاییان منتشر کرد که طبق آن «تصویر منفی مسلمانان در نگاه امریکاییان ۱۶ برابر بیش از تصویر مثبت آن بوده است. از کل افراد نمونه ۳۲ درصد تصویر منفی، ۲ درصد تصویر مثبت و ۶۷ درصد اعلام کرده‌اند تصویر بی‌طرفانه‌ای نسبت به اسلام دارند» (بشیر، <http://farsnews.ir>). در نظرسنجی مؤسسه گالوپ در سال ۲۰۰۸ امریکاییان درحالی‌که از کانادا و ژاپن به عنوان دوستانه‌ترین کشورها یاد کرده‌اند، کشورهای مسلمان، و به‌ویژه ایران و فلسطین را منفورترین کشورهای دنیا دانسته‌اند (<http://wikipedia.org>). تأکید مقامات غربی بر معرفی مسلمانان به عنوان تروریست و جمهوری اسلامی به‌مثابه حامی تروریسم در جهان، در اولین سطح به افزایش فضای امنیتی علیه مسلمانان در داخل ایالات متحده منجر شده است. محمد لنگهاوسن عضو هیئت‌علمی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی می‌گوید: «آنجا حتی اگر کسی ایران را دوست دارد و جمهوری اسلامی را دوست دارد، حاضر نیست آنها بفهمند تا مورد آزار و اذیت آنها قرار نگیرد، پس ترجیح می‌دهد چیزی نگوید. اگر هم احتمال بدهد که مأموری در مسجد هست، ترجیح می‌دهد به مسجد نرود. اکنون این وضعیت در آنجا حاکم است (لنگهاوسن، ۱۳۸۳).

۲-۲-۲. هویت جویی، افزایش اقبال عمومی نسبت به فرایض دینی و حساسیت‌های

اسلامی و رشد فزاینده تازه‌مسلمانان و شیعیان

انقلاب اسلامی با احیای تفکر اسلامی، نقش اسلام و مسلمانان را در عرصه‌های مختلف اجتماعی برجسته ساخته و عنصر هویت اسلامی را در برابر هویت غربی قرار داده است. اسلامی که به‌زعم بسیاری، از اذهان رخت بر بسته بود، اینک با هسته‌ای قدرتمند و امواجی فراتر از مرزهای ملی بازگشته و به جریان افتاده است (دهقانی، ۱۳۸۷). پیتیر فورد روزنامه‌نگار امریکایی معتقد است: «گرایش جوامع غربی به دین مبین اسلام و گسترش هویت جویی و رفتار مذهبی بین جوانان مسلمان این کشورها موضوعی غیرقابل انکار است که به‌رغم تلاش رسانه‌ها و

کوشش دولتمردان در پنهان نگه‌داشتن این موج اسلام‌خواهی، شاهدیم که این جریان توجه عموم جامعه را به خود جلب کرده است و هر روز شاهد گرایش بیش‌ازپیش این جوامع و به‌ویژه زنان به اسلام هستیم» (فورد، ۱۳۸۴: ۵۴).

رشد سریع مسلمانان در ایالات متحده، هرچند متأثر از علل متعددی از جمله مهاجرت و نرخ بالای زادوولد در میان جمعیت مسلمان آن است، اما بی‌تردید رشد قابل توجه گروندگان به اسلام و هویت‌جویی مسلمانان، به میزان نسبتاً زیادی متأثر از موج اسلام‌خواهی انقلاب اسلامی ایران است. دربارهٔ جمعیت مسلمانان و نیز دربارهٔ تعداد گروه‌های مذهبی در امریکا اختلاف‌نظر بسیاری وجود دارد. کشور امریکا با جمعیتی بالغ بر ۳۰۴ میلیون نفر، شامل حداقل هفت میلیون مسلمان می‌شود که از این تعداد ۳۰ درصد تازه مسلمان شده‌اند. بر اساس برخی آمارها جمعیت مسلمانان در ایالات متحده طی ۲۵ سال اخیر بیش از چهار برابر شده است. هم‌اکنون بیش از ۱۰ میلیون مسلمان در این کشور زندگی می‌کنند که نزدیک به دو میلیون نفر از آنها شیعه هستند. رشد جمعیت مسلمانان امریکا در حدود شش درصد در سال تخمین زده شده است (ماهانامه موعود، شماره ۷۷). نکته قابل توجه این است که «دانشمندان و روشن‌فکران» اصلی‌ترین گروه گروندگان به اسلام را در امریکا تشکیل می‌دهند و این دین در میان «زندانیان امریکایی» نیز به‌طور چشمگیری پذیرش شده است. سرخوردگی معنوی ناشی از عدم رعایت مسائل دینی و فسادهای روزافزون اخلاقی، جنسی و غیره بسترهای لازم معنویت‌خواهی را در غرب پدیدار کرده است. طی ۱۵ سال اخیر حدود سیصد هزار زندانی امریکایی به دین اسلام گرویده‌اند (احمدالخطاب، ۱۳۸۰: ۴۰). جنبش‌های اجتماعی از نوع دینی در حمایت از سلامت اخلاقی و جنسی و حمایت از کانون خانواده مصداق این معنویت‌خواهی فزاینده است. همچنین احیای شعائر دینی و شیوع رفتار مذهبی - که در گرایش بیشتر زنان مسلمان به حفظ حجاب، افزایش اقبال عمومی به انجام فرایض دینی مثل برگزاری نماز جماعت، جلسات قرائت قرآن و احیای مراسم عزاداری و سینه‌زنی (حتی رشد قابل توجه روضه‌های خانگی) تجلی یافته - نشانه تغییر گفتمان و نگرش حاکم بر جامعه مذهبی امریکاست. افزایش تعداد مساجد و مراکز مذهبی یکی از شاخصه‌های این امر است. در ایالات متحده مساجد رونق

تازه‌ای یافته‌اند و با وجود کنترل شدید پلیس بر مسلمانان به مرکز مخالفت‌های ضد دولتی تبدیل شده است. مطابق آمارهای وزارت خارجه امریکا در سال ۲۰۰۱ بیش از ۱۲۰۰ مسجد در این کشور وجود دارد که این رقم در مقایسه با تعداد مساجد در ۱۹۹۴ افزایش ۲۵ درصدی را نشان می‌دهد. در سال ۲۰۰۶ تعداد مساجد بیش از ۲۰۰۰ مسجد برآورد شد. بر اساس این بررسی حدود دو میلیون مسلمان در امریکا با مساجد محل زندگی خود در ارتباط هستند و بیش از ۲۰ درصد این مساجد مدرسه‌های تمام‌وقت دارند (<http://wikipedia.org>). همچنین گرایش مسلمانان و غیرمسلمانان امریکا به غذاهای حلال موجب رشد روزافزون سوپرمارکت‌های حلال در این کشور شده است (پایگاه اینترنتی غدیر، ۱۳۹۰/۲/۵).

به این ترتیب، اسلام اینک بیش از هر مذهب دیگری در ایالات متحده در حال رشد است و انتظار می‌رود در آینده نزدیک به دومین مذهب بزرگ در امریکا تبدیل شود؛ به همین دلیل، از دهه نود سخن از «تهدید فرهنگی و جمعیتی اسلام برای غرب» و هشدارهایی از این دست در محافل سیاسی و رسانه‌ای امریکایی رونق گرفته است. در مبحث موانع و چالش‌ها بدین موضوع پرداخته شده است.

۳-۲. رشد مطالبات سیاسی و مشارکت بین‌المللی مسلمانان، نهادسازی و افزایش

مؤسسات مذهبی همسو با انقلاب اسلامی

ابراز هویت دینی سیاسی مسلمانان از مصادیق بازتاب انقلاب اسلامی بر کشورهای مختلف نام برده می‌شود. هویتی اسلامی که مصداق بارز آن در حمایت از مسلمانان و مظلومان جهان و اعتراض علیه نظام‌های استکباری با محوریت امریکا و اسرائیل جلوه‌گر شده است. شیخ محمد/العاصی امام‌جمعه واشنگتن با اشاره به تأثیرات انقلاب اسلامی بر مبارزات آزادی‌خواهانه مردم فلسطین می‌گوید: «حمایت ایران از مردم مظلوم فلسطین موجب خشنودی تمام مسلمانان جهان شده است و به مردم فلسطین قوت قلب داده تا بدون هراس در مقابل ظلم و تعدی رژیم صهیونیستی ایستادگی کنند». در همین زمینه، شرکت تلی‌کلپ به منظور مشخص کردن اولویت‌های مسلمانان امریکا پیش از حادثه ۱۱ سپتامبر طی یک نظرسنجی در مورد هزار تن از مسلمانان اعلام کرد که پس از آموزش، مسئله قدس شریف و لغو

محاصره اقتصادی عراق جزء مهم‌ترین دغدغه‌های مسلمانان امریکاست (فهمی هویدی، ۱۳۷۹: ۳۵)؛ برای مثال در متن جامعه امریکا تظاهرات عمومی و گسترده‌ای که به دنبال حمله امریکا به افغانستان و عراق و حملات رژیم صهیونیستی به سرزمین‌های اسلامی در فلسطین و لبنان صورت گرفت، نشان از این احساس مشارکت عمومی و حساسیت به مسائل جهان اسلام دارد. در آخرین نمونه از این ابراز مشارکت سیاسی جهانی و اسلامی، بزرگ‌ترین تظاهرات مسلمانان امریکا در اعتراض به کشتار علیه مسلمانان بحرینی برگزار شده است (شیعه‌آنلاین، ۱۳۹۰/۱/۲۷). همچنین احساس تعلق به جامعه اسلامی در رشد شمار حجاج امریکایی نیز نمود یافته است (زندگی مسلمانان در امریکا، ۱۳۸۹/۸/۲۴). افزون بر این، جامعه شیعیان در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ در امریکا، فعال‌ترین و مهم‌ترین گروه سیاسی را تشکیل می‌دادند. به طور خاص، انجمن دانشجویان مسلمان که تحت نظر و رهبری ایرانیان مقیم امریکا و کانادا اداره می‌شد و فعالیت می‌کرد، نقش بسیار بزرگی در بسیج مسلمانان و آگاهی افکار عمومی امریکا در دوران انقلاب اسلامی داشت.

انقلاب اسلامی، تأثیر خود را به صورت تشکیل مؤسسات و سازمان‌های اسلامی در غرب نیز بروز داده است. گاهی مهم‌ترین مراکز تجمع مسلمانان در ایالات متحده در همسویی با مواضع جمهوری اسلامی فعالیت می‌کنند. مرکز اسلامی آیت‌الله خویی یا مراکز امام علی (ع) در نیویورک، از این موارد هستند. سازمان جوامع مسلمان اثنی‌عشری امریکای شمالی (تأسیس ۱۹۸۶) که برای ایجاد وحدت میان شیعیان امریکای شمالی تلاش می‌کند، از دیگر مراکز مهم است (لنگهاوسن، ۱۳۸۳). انجمن مسلمانان اثنی‌عشری نورث وست (ایمان) ۱ (۱۹۹۷) انجمن مسلمانان ایرانی امریکای شمالی ۲ (۱۹۷۹)، بنیاد الهدی ۳، جماعت شیعه اثنی‌عشری نیویورک ۴ و مرکز تعلیمات اسلامی واشنگتن از دیگر مراکزند (ر.ک: وزیری ۱۳۸۲). از جمله فعالیت‌های این انجمن‌ها، برگزاری کلاس‌های آموزش

1. Ithnasheri Muslim Association of the Northwest (IMAN)
2. Iranian Muslim Association of North America
3. AL- Huda Foundation
4. Shia Ithna-Asheri Jamaat of NY (SIJNY)

زبان عربی و فارسی، فهم و درک قرآن و یادگیری قوانین و فلسفه اسلام است. همچنین در سال‌های اخیر استقبال بی‌سابقه‌ای از آثار مولانا در امریکا شده که آثار این شاعر پارسی‌زبان را در امریکا به یکی از پرفروش‌ترین کتاب‌ها تبدیل کرده است. انجمن مطالعات جوامع پارسی‌زبان و مؤسسه امریکایی مطالعات ایرانی از مؤسسات فعال در آموزش زبان پارسی هستند (<http://persian-language.org>).

۲-۲-۴. رشد مراکز ایران‌شناسی و ایران‌پژوهی با هدف مبارزه با جمهوری اسلامی

وقوع غیرمنتظره انقلاب اسلامی و بازتاب‌های منطقه‌ای و جهانی آن باعث پیدایش مراکز پژوهشی و برگزاری همایش‌های متعدد برای شناخت انقلاب اسلامی، به‌ویژه تشیع و ایران شده است. تاکنون برای این معرفی و شناخت، هزاران اثر شامل کتاب، رساله دانشگاهی، مقاله و غیره به رشته تحریر درآمده است، اما از مصادیق بازتاب‌های (ستیزه‌جویانه) ایالات متحده نسبت به انقلاب اسلامی، تأسیس و گسترش شمار زیادی از سازمان‌های دولتی و غیردولتی است که با هدف مبارزه و مقابله با جمهوری اسلامی فعالیت می‌کنند و این امر خود نشانگر اهمیت قابل ملاحظه ایران در سیاست‌گذاری در ایالات متحده محسوب می‌شود. بنیاد سوروس، مرکز ویلسون، خانه آزادی، صندوق اعانه ملی برای دموکراسی، مؤسسه دموکراتیک ملی، مؤسسه جمهوری‌خواه ملی، بنیاد فورد، بنیاد برادران راکفلر، مؤسسه هوور، انجمن سازمان ملل ایالات متحده امریکا، بنیاد کارنگی، سازمان جست‌وجو برای زمینه مشترک، انستیتو واشنگتن برای مسائل خاورمیانه نزدیک، انستیتو اسپن، مؤسسه آمریکن اینتر پرایز، بنیاد نو امریکا، بنیاد اسمیت ریچاردسون، صندوق ژرمن مارشال امریکا، بنیاد عبدالرحمن برومند، دانشگاه یل، بنیاد دموکراسی در ایران، انستیتو بین‌المللی جمهوری‌خواهان، انستیتو ملی دموکراتیک، انستیتو ابتکار امریکایی، مرکز کمک‌رسانی امریکا، مرکز امریکایی برای هم‌بستگی بین‌المللی کارگران، انستیتو آلبرت انشتین، مؤسسه ریگا، مؤسسه برکمن، شورای روابط خارجی امریکا، انستیتو مریدین، دانشگاه دفاع ملی امریکا، مرکز مستندسازی اسناد حقوق بشر ایران، مرکز امریکایی فلتن فعال در آسیای مرکزی قفقاز، کمیته خطر جاری، انستیتو بروکینگز، مرکز سابان وابسته به بروکینگز و بنیاد امریکای جدید از

این دسته مؤسسات امریکایی هستند (خبرگزاری فارس، 88/10/14).

۲-۲-۵. تأثیر انقلاب اسلامی بر فضای روشن‌فکری و مطالعاتی امریکا

هرچند انقلاب اسلامی ایران با احیای اسلام و تفکر اسلام سیاسی، خود را در مقابل غرب و فشارهای شدید نظام بین‌الملل قرار داد، اما همین امر غرب را در شناخت بهتر و جامع‌تر اسلام ترغیب کرد. بر همین اساس مطالعات اسلامی و اسلام‌شناسی به سرعت جای مطالعات شرق‌شناسی را گرفت. امروزه می‌توان به جرأت ادعا کرد که شناخت اسلام از دید غیرمسلمانان - که قبلاً معطوف به شناخت تعالیم اسلامی با تعبیر اهل سنت و جماعت بود - تحول اساسی پیدا کرده و گرایش به درک اسلام از دیدگاه مکتب تشیع بیشتر شده است. در همین خصوص رشد تولید ادبیات در مورد اسلام و ابعاد گوناگون آن (که بی‌شک از جمله بازتاب‌های اساسی انقلاب اسلامی است) قابل توجه است. ابعاد وسیع انقلاب اسلامی در ایران و امواج ناشی از آن اندیشمندان بسیاری را به خود معطوف ساخته است. بخش عمده‌ای از ادبیات مطالعات انقلاب اسلامی به بررسی ابعاد نظری و علل پیروزی انقلاب معطوف شده است. نوشته‌های پژوهشگرانی همچون *بری بوزان*، *تدا اسکاچ پل*، *جان اسپوزیتو*، *همایون کاتوزیان*، *فرهاد کاظمی*، *سعید امیرارجمند*، *جیمز دو فرونزو*، *حامد الگار* و غیره در این مجموعه قرار می‌گیرد. بخش عمده‌ای از نوشته‌ها نیز به سیاست‌های ایران و تحولات داخلی ایران پس از انقلاب پرداخته و روابط جمهوری اسلامی ایران را با قدرت‌های بزرگ بررسی کرده‌اند. غالب این متون با دیدی غرض‌ورزانه و به شکلی افراطی با انقلاب اسلامی برخورد کرده‌اند.

۲-۳. مسیرها، مجاری و ابزارهای پخش: اقدامات جمهوری اسلامی در تقویت

قدرت نرم خود بر ایالات متحده

در فرایند تأثیرگذاری انقلاب اسلامی بر دیگر کشورها، فراتر از پخش غیرارادی و خودبه‌خودی یا رفلکسی، دولت جمهوری اسلامی نه تنها مانعی برای پخش نوآوری ایجاد نکرده است، بلکه خود عامل پخش شده است و با اتخاذ سیاست «صدور انقلاب» امکان انتقال همراه با سهولت بیشتر آن را فراهم ساخته است (برزگر ۱۳۸۲: ۳۶). فرهنگ‌سازی، هنجارسازی و تأثیرگذاری بر قواعد رفتاری و ساختار سیاسی

بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی در زمره اهداف بنیادین انقلاب اسلامی به شمار می‌رود. انتشار و توزیع روزنامه، ایجاد شبکه‌های خبری - رسانه ای به زبان انگلیسی، تأسیس و گسترش مراکز آموزش زبان و ادبیات فارسی، سفرهای خارجی مسئولان سیاسی و فرهنگی کشور با هدف دفاع از آرمان‌های انقلاب اسلامی و غیره از مهم‌ترین اقدامات جمهوری اسلامی در تقویت قدرت نرم خود بر ایالات متحده است که به‌ویژه در سال‌های اخیر و با افزایش هجوم‌های تبلیغاتی و جنگ نرم امریکا علیه ایران شدت گرفته است.

در جمهوری اسلامی ایران، شش روزنامه به زبان انگلیسی به‌منظور انعکاس اخبار و آشنایی شهروندان کشورهای انگلیسی‌زبان از جمله در ایالات متحده با فرهنگ و سیاست‌های داخلی و بین‌المللی کشور انتشار می‌یابد. روزنامه‌های ایران‌نیوز^۱، ایران‌دیلی^۲، تهران‌تایمز^۳ و کیهان انگلیسی بیشتر مخاطبان خود را در پایتخت‌های اروپایی و امریکای شمالی جست‌وجو می‌کنند. همچنین مخاطبان برون‌مرزی برخی روزنامه‌ها از طریق پایگاه اینترنتی روزنامه در ارتباط هستند. سیمای جمهوری اسلامی ایران نیز در بعد برون‌مرزی دارای پنج شبکه جهانی است که شبکه‌های جام ۱ و ۲، سحر و پرس‌تی‌وی^۴ کشورهای انگلیسی‌زبان از جمله ایالات متحده را پوشش می‌دهند. شبکه سحر روزانه بیست ساعت برنامه برون‌مرزی به شش زبان اردو، انگلیسی، بوسنیایی، ترکی، فرانسوی و کردی پخش می‌کند (شبکه جهانی سحر، ۱۳۸۰). پرس‌تی‌وی نیز نخستین شبکه خبری تلویزیونی انگلیسی‌زبان ایرانی است که با ۲۶ خبرنگار محلی در شهرهای مهم جهان از جمله اورشلیم، نیویورک و واشنگتن فعالیت می‌کند (ایرنا، ۱۳۸۶). شعار اصلی این شبکه، «خبر از نگاه جدید» برای شکستن سلطه رسانه‌های گروهی غربی است (PRESS TV, 2007). همچنین رادیوهای برون‌مرزی جمهوری اسلامی ایران اخبار و برنامه‌های متنوعی را به سه زبان انگلیسی، فرانسوی و اسپانیایی در ایالات متحده پخش می‌کنند (World Service, 2008). در ایالات متحده دو مؤسسه آموزش زبان

1. Iran News
2. Iran Daily
3. Tehran Times
4. PRESS TV

فارسی نیز فعالیت دارند (شورای گسترش زبان و ادبیات فارسی، ۱۳۸۶).

۳. موانع و چالش‌های بازتاب انقلاب اسلامی بر ایالات متحده امریکا

مخالفت دولت‌های امریکایی با آرمان‌های انقلاب اسلامی، کارکرد منفی رسانه‌های این کشور، عملکرد برخی گروه‌های تروریستی اسلام‌گرا از جمله القاعده و تأثیر آن بر تصویر غربی از اسلام، عملکرد جریانات ضدانقلاب امریکانشین و کشورهای اسلامی مخالف جمهوری اسلامی همچون عربستان سعودی در تشدید اختلافات داخلی جهان اسلام مهم‌ترین موانع و چالش‌های فراروی جمهوری اسلامی در پخش بازتاب‌های حمایت‌گرانه از انقلاب اسلامی است. به‌طورکلی، جریان‌های مقابله با اسلام و هادیان امواج اسلام‌ستیزی در جوامع غربی را می‌توان در گروه‌های مختلفی دسته‌بندی کرد: گروه‌های صهیونیستی، مسیحیان صهیونیست، جریان‌های کاتولیک صلیبی، جریان‌های قومی ارتدوکس متضاد با مسلمانان، گروه‌های نژادپرست و آشوبگر، جریان‌های سیاسی، لائیک‌های مهاجر از کشورهای اسلامی، ایدئولوژی‌های انحرافی و ضداسلامی (همانند بهائیت، مارکسیسم و غیره) (امینیان، ۱۳۸۷: ۱۰۹).

۳-۱-۱. جنگ روانی گسترده و تصویرسازی ستیزه‌جویانه علیه انقلاب اسلامی

دولت، کنگره، لابی اسرائیل و رسانه‌ها (و البته سازمان‌های دولتی و غیردولتی) از مهم‌ترین کارگزاران افکار عمومی در ایالات متحده هستند که از طریق جنگ روانی هدفمند و تصویرسازی منفی و ستیزه‌جویانه از انقلاب اسلامی موانع مهمی در برابر بازتاب‌های حمایت‌گرانه و صحیح از انقلاب اسلامی و تأثیرگذاری بر جامعه امریکا ایجاد کرده‌اند. برآیند سیاست‌گذاری‌ها و اقدامات دولتی بر دو محور ایران‌هراسی و اسلام‌هراسی در حوزه افکار عمومی داخلی ایالات متحده قرار دارد.

۳-۱-۱-۱. ایران‌هراسی

«ایران‌هراسی» از راهبردهای تبلیغاتی و جنگ روانی علیه جمهوری اسلامی است که واشنگتن سعی دارد با عبور از آن از یک سو تحولات آینده داخلی خود را مدیریت و از سوی دیگر بحران‌های منطقه‌ای و بین‌المللی فراروی امریکا را مهار و کنترل

کند. راهبرد ایران‌هراسی رابطه‌ای مستقیم با توجیه خصومت ایالات متحده علیه ایران و حضور نظامی و اشغالگری امریکا در منطقه خاورمیانه در ذهن مخاطب امریکایی دارد. بهره‌گیری از بار منفی واژه‌ها، کلمات و مفاهیم حساسیت‌برانگیز در افکار عمومی (نسبت دادن تروریسم و بنیادگرایی به جمهوری اسلامی)، وانمایی و سیاه‌نمایی در خصوص ایران (تهیه و نمایش فیلم ضدایرانی ۳۰۰)، بهره‌گیری از راهبرد ارعاب (القای خطر فناوری هسته‌ای ایران)، تحریف اخبار مرتبط با ایران و القای مستقیم و غیرمستقیم (معرفی ایران به عنوان محور و کانون شرارت در جهان) بخشی از راهبردها و تکنیک‌های مورد استفاده دولتمردان امریکایی در طرح ایران‌هراسی در حوزه داخلی ایالات متحده است که به طور معمول در خصوص ایران مورد استفاده مقامات و رسانه‌های امریکایی قرار می‌گیرد (سراج، ۱۳۸۷: ۲۲). در سطح عملی، امریکا در سال ۱۹۸۰ روابط دیپلماتیک خود را با ایران قطع کرد. سپس در سال ۱۹۸۴ ایران را در صدر کشورهای حامی تروریسم قرار داد و جمهوری اسلامی را خطرناک‌ترین دولت بانی تروریسم نامید (Kemp, 1994). مقامات و دستگاه‌های اطلاع‌رسانی ایالات متحده با تبلیغات گسترده و تکراری خود در این زمینه، درصدد القای خطر ناشی از اقدامات تروریستی ایران برآمده‌اند تا از این طریق، چهره‌ای خشونت‌طلب از رژیم جمهوری اسلامی ارائه دهند.

۲-۱-۳. اسلام‌هراسی و شیعه‌ستیزی

اسلام‌هراسی^۱ اصطلاحی است که به پدیده تبعیض و مقابله با اسلام و فرهنگ اسلامی اطلاق می‌شود که از اواخر دهه ۱۹۸۰ میلادی در ادبیات سیاسی رواج پیدا کرد و البته موجب رواج اسلام‌ستیزی شد. علت این امر را می‌توان احساس خطر جوامع اروپایی و امریکایی از «سونامی اسلامی» با مرکزیت انقلاب اسلامی ایران دانست. علاوه بر رویدادهای منطقه‌ای نظیر جنگ ۱۹۷۳ اعراب و اسرائیل، تحریم نفتی اعراب پس از جنگ ۱۹۷۳، انقلاب اسلامی سال ۱۹۷۹ ایران و بحران گروگان‌گیری ناشی از آن بسیاری از مقامات امریکایی را شگفت‌زده کرد و دستاویزی شد تا اسلام به عنوان تهدیدی علیه منافع غرب تلقی شود (Cottam, 1994).

1. Islamophobia

277). گرچه سیاست‌گذاران امریکایی ترسیم هر گونه پیوند مستقیم بین اسلام سیاسی و ایران سیاسی را تکذیب می‌کنند، چنین می‌نماید که آنها «کمپلکس ایرانی»^۱ را ابداع کرده و توسعه داده‌اند؛ یعنی آنها سایر جنبش‌ها و دولت‌های اسلام‌گرا را از منظر انقلاب خونین ایران می‌نگرند. این کمپلکس ایرانی تأثیری منفی بر سیاست امریکا در قبال فعالان اسلام‌گرا در سایر مناطق نیز داشته است (جرجیس ۱۳۸۲: ۳۵۶). همان‌طور که وارن کریستوفر وزیر خارجه پیشین این کشور تصریح کرده است که «ایران پیشگام‌ترین حامی تروریسم در جهان است، و به همین سبب یکی از اگر نگوییم بزرگ‌ترین، تهدیدها برای صلح و ثبات در منطقه به شمار می‌آید (Statement by Secretar, 1995: 1)». رئیس‌جمهور پیشین امریکا، رونالد ریگان، در دهه هشتاد، (امام) خمینی و اسلام رادیکال را در کنار هم قرار می‌دهد و در شب حمله ایالات متحده امریکا به لیبی، هدف از این حملات هوایی را تنها مقابله با قذافی نخواند، بلکه هدف از آن را مقابله با جنبش رادیکال اسلامی در سراسر جهان اعلام کرد (اسپوزیتو، ۱۳۷۹: ۶).

رشد جمعیت مسلمانان این جوامع نسبت به دیگر ادیان، درگیری و اختلاف‌افکنی میان مسلمانان، برجسته کردن ضعف‌های درون جوامع اسلامی و افراطی‌گری و خشونت برخی گروه‌های متحجر اسلام‌گرا را می‌توان از دیگر دلایل موج گسترده اسلام‌هراسی برشمرد. ضمن آنکه جهان اسلام به دلیل داشتن مکتبی متفاوت و سابقه دیرینه خصومت با جهان غرب این ظرفیت را داشته است که از سوی غرب «غیریت‌سازی» و به عنوان دشمن انتخاب شود. بوش پدر، رئیس‌جمهور پیشین امریکا، در ۱۹۹۲ در کنگره امریکا به‌طور رسمی اعلام کرد که قدرت نظامی ما باید به جای مهار ابرقدرتی مانند شوروی سابق به مقابله با تهدید «بنیادگرایی اسلامی» پردازد (لاریجانی، ۱۳۷۷: ۲۶۱). در چنین فضایی، تبلیغات جهانی و امپریالیسم رسانه‌ای ایالات متحده، برای خطرناک جلوه دادن اسلام - که البته با جنبه‌هایی از افراطی‌گری نیز همراه بوده - در دستور کار غرب (امریکا) قرار گرفته است. «اسلام رسانه‌ها» محصول چنین رویکردی است. اسلام رسانه‌ها، اسلامی است که وجود خارجی ندارد و محصول رسانه‌های تبلیغات غربی برای

1. The Iranain Complex

ترساندن انسان غربی از جهان اسلام و مسلمانان است تا افکار عمومی غرب نسبت به سلطه غرب بر شرق و قتل و غارت آن و کشتار مسلمانان به‌وسیله امریکا و صهیونیسم رضایت دهد و دم برنیاورد (سعید، ۱۳۷۹). ظهور مفاهیمی همچون «بنیادگرایی» و «تروریسم» در ادبیات سیاسی ایالات متحده و نسبت دادن آن به اسلام و مسلمانان، توجیهی است برای غیرقابل تحمل نشان دادن «بیگانه مسلمان» و به تبع آن معقول جلوه دادن روابط خصمانه علیه «دنیای اسلام» در پوشش خبری و تبلیغات عاطفی - بیگانه‌هراسی (نژادپرستانه) احساسی ملهم از این رویکرد است که نقش عمده‌ای دارد (سمتی ۱۳۷۶: ۱۲۹). مواردی چون اخراج زنان محجبه از مدارس و مراکز آموزش عالی، محدودیت در ساخت مساجد، توهین به ساحت پیامبر اکرم (ص)، ساخت کاباره به شکل مسجد و با نام مکه، ساخت بازی‌های رایانه‌ای همچون بازی «وداع با مساجد» و همچنین انتشار فیلم‌هایی که حاوی اسلام‌ستیزی هستند، جلوه‌های این رویکرد محسوب می‌شوند. البته هیچ‌کدام از این اقدامات را نمی‌توان با قرآن‌سوزی، آن هم از سوی کلیسا مقایسه کرد. شمایی که از اسلام در رسانه‌های غربی، از رمان‌های جدید و مدعی نقادی تا کتاب‌های درس تاریخ مدارس و سریال‌ها، فیلم‌ها و کارتون‌های تلویزیونی ترسیم می‌شود همان نگرش قدیمی به اسلام است (سعید، ۱۳۷۸: ۴۸)؛ برای مثال پوشش خبری مطبوعات امریکایی در بمب‌گذاری‌های مرکز تجارت جهانی در نیویورک و اکلاهما، چندین سال پیش از حوادث ۱۱ سپتامبر، بر محور اتهام به مسلمانان در این وقایع قرار داشت؛ حتی پس از اینکه FBI اعلام کرد متهمان اصلی (امریکایی) دستگیر شده‌اند و مسلمانان در آنها نقشی نداشته‌اند (Jim, 8 July 1995: 7). در این راستا به‌ویژه جمهوری اسلامی ایران، کانون و مرکزیت اسلام سیاسی معرفی شده و در نتیجه، تمامی طرح‌ها باید سرنگونی و تغییر رژیم جمهوری اسلامی را هدف نهایی خویش قرار دهند.

۳-۱-۳. تأثیر منفی امواج رقیب انقلاب اسلامی

رادیکالیسم اسلامی وهابی، مذهب‌سازی‌های جدید از جمله اسلام دموکراتیک مدنی (امریکادوست) و گروهک‌های ضدانقلاب امریکانشین، مهم‌ترین کارگزاران

مؤثر در تصویرسازی وارونه از انقلاب اسلامی در ایالات متحده به شمار می‌روند.

۱-۳-۱. نقش وهابیت رادیکال

هرچند ایران به عنوان سرزمین مادر فرهنگ شیعی می‌تواند نقش مهمی در متعادل کردن فرهنگ رادیکال سنی داشته باشد - که به شکل تروریسم القاعده، امنیت منطقه و جهان را به خطر انداخته است (Fuller, 1991: 12) - اما جمهوری اسلامی ایران به عنوان نمونه عملی حکومت دینی با بهره‌گیری از مفاهیم انقلابی تشیع، الهام‌بخش جنبش‌های شیعی بوده و نه تنها هژمونی امریکایی را به چالش کشیده، بلکه در وهله اول، رادیکالیسم اسلامی وهابی را نیز نگران ساخته است. تفرقه‌افکنی بین سازمان‌های گوناگون اسلام‌گرا و حتی شیعی در ایالات متحده، بدبینی عمومی و خشونت علیه مسلمانان و منفعل کردن مسلمانان امریکا در برابر زیاده‌خواهی‌های ایالات متحده و اسرائیل علیه مسلمانان و مظلومان دستاورد اقدامات افراطی و خشونت‌طلبانه رادیکالیسم وهابی با محوریت القاعده در جهان و به‌ویژه در امریکاست. به موازات جریان‌های هدفمند اسلامی حرکات کور و افراط‌جویی‌های تروریستی و گروه‌هایی مانند طالبان نیز به احیای خود پرداخته‌اند و یکی از مهم‌ترین عوامل تشدید موج اسلام‌هراسی و اسلام‌ستیزی در غرب و به‌ویژه ایالات متحده بوده‌اند. شاهد عینی این امر، بازتاب‌های منفی واقعه ۱۱ سپتامبر در تخریب چهره اسلام و مسلمانان در این کشور است. حادثه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ - صرف‌نظر از عوامل واقعی آن - اثری شگرف بر سیاست خارجی امریکا، به‌ویژه در تشدید پروژه اسلام‌هراسی بر جای گذاشت. مسلمانان عاملان این حادثه معرفی شدند و این در حالی بود که برخی کشورهای اسلامی از جمله جمهوری اسلامی در همان ابتدا این حادثه تروریستی را محکوم کردند. پس از این حوادث به‌کاربردن واژه جنگ صلیبی به‌وسیله جورج بوش، رئیس‌جمهور امریکا، نشانگر نگرش نومحافظه‌کاران واشنگتن نسبت به جهان اسلام بود. در همین راستا اصطلاح فاشیست‌های اسلامی در مورد مسلمانان به کار رفت. بر اساس چنین برداشتی در اظهارات تئوری‌پردازان و مقامات امریکایی از جبهه اسلامی به جبهه سبز تعبیر شد که پس از جبهه سرخ پیش روی امریکا قرار گرفته است (توفیق ابراهیم، ۱۳۸۴: ۶۸).

مذهب‌سازی و تبدیل اسلام سخت و مبارز به اسلام نرم و ملایمی که فقط پوستینی از اسلام دارد، از نظر ایالات متحده بهترین راه مقابله با اسلام (های) سیاسی ضد امریکایی است. حمایت یا برقراری ارتباط مستحکم‌تر با «اسلام مدنی» — گروه‌های اسلامی نوگرا (سکولار) و حامی غرب — جزء جدانشدنی سیاست اساسی امریکا در قبال جهان اسلام قرار گرفته است. امریکایی‌ها معتقدند این اسلام سیاسی میانه‌رو، خواهد توانست به موازنه با جاذبه جنش‌های اصیل یا طرف‌داران تشکیل حکومت‌های اسلامی مطلق بپردازد. از نظر امریکایی‌ها به وجود آوردن جناح‌های میانه‌رو و غرب‌دوست در جمعیت‌های اسلامی، ایجاد اختلال در شبکه‌های رادیکالیسم اسلامی، انجام اصلاحات در نظام آموزشی کشورهای اسلامی، طرح اسلام مدنی و توسعه مفاهیم غیرایدئولوژیک در ادبیات سیاسی و توسعه حضور روانی و فرهنگی غرب و به‌ویژه ایالات متحده در کشورهای مسلمان می‌تواند کابوس اسلام‌گرایی را از سر راه آنان بردارد. *دانیل پاییز* یکی از نومحافظه‌کاران تصریح کرده است که «هدف نهایی از جنگ علیه تروریسم، مدرنیزاسیون و نوسازی خود اسلام است» (Jim, 2004). همچنین امریکا در سطح داخلی تلاش می‌کند گروه‌های مخالف را به پذیرش و ثبت‌نام در مکانیسم‌های طراحی شده انتخاباتی وادار کند و از این طریق احزاب مخالف واجد مشروعیت را در حاشیه قرار دهد. ترغیب شورای مسلمانان به ورود در انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۰۰ به نفع جورج بوش مؤید این سیاست است. آمارها نشان داد که ۵۵ هزار مسلمان در انتخابات ایالت فلوریدا شرکت کردند و ۸۸ درصد از آنان رأی خود را به نفع جورج بوش در صندوق‌ها ریختند (فهمی هویدی، ۱۳۷۹: ۳۶).

۳-۲-۳. انفعال سازمان‌های متولی صدور انقلاب در جمهوری اسلامی

جمهوری اسلامی ایران برای جلوگیری از تحقق اهداف جنگ نرم به تقویت منابع قدرت خود در داخل و خارج از کشور اهتمام ورزیده است. سفارتخانه‌ها یا رایزن‌های فرهنگی، صداوسیما، سپاه پاسداران، جهاد سازندگی، وزارت بازرگانی، وزارت اطلاعات، وزارت کشور و نیز نهادهایی چون حوزه‌های علمیه، انجمن

اسلامی دانشجویان خارج از کشور، سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی و به‌طور کلی نهادهای شیعیان در سراسر جهان به عنوان نهادهای مسئول صدور پیام‌های انقلاب و شیوع اندیشه انقلاب اسلامی محسوب می‌شوند. متأسفانه عملکرد ضعیف برخی سازمان‌های متصدی امر صدور انقلاب، به‌ویژه در کشور امریکا - با توجه به محدودیت‌های سیاسی و فرهنگی - مسبب رکود و بی‌حرکی در امر بازتاب انقلاب اسلامی بوده است؛ برای نمونه یکی از مشکلات، به‌رغم مشخص بودن متولی اصلی اعتبارات فرهنگی فعالیت‌های خارج از کشور آن، اختصاص این اعتبارات به صورت هدمند نبوده است؛ از این رو از ظرفیت‌های بی‌بدیل انقلاب اسلامی در هم‌وردی و مصاف فکری و فرهنگی با نظام سلطه و مکاتب فکری و اعتقادی تفکرات غیرالهی به نحو مطلوب استفاده نشده است. رویکرد انفعالی و تدافعی در رویارویی با ایالات متحده سبب شده است در اغلب محافل فکری و سیاسی ایران، سخن از قدرت نرم یک‌طرفه امریکا علیه ایران شنیده شود. این امر نشان‌دهنده آن است که راهبردی مشخصی در قبال چالش‌ها با ایالات متحده اتخاذ نمی‌شود و در این رویارویی سیاست عملگرایی و «برخورد وصله‌ای» غالب است؛ رویکردی که متأسفانه سرعت حرکت امواج قوی این انقلاب مقدس را به شدت کاهش می‌دهد.

نتیجه‌گیری

بیش از سی سال از پیروزی انقلاب اسلامی می‌گذرد، اما انقلاب اسلامی در چهارچوب جمهوری اسلامی ایران و گفتمان انقلاب اسلامی پیوسته بازتولید شده و استمرار یافته است. همین تداوم به‌مثابه استمرار تأثیرات و پیامدهای منطقه‌ای و جهانی این انقلاب بوده است. پیام‌ها و بازتاب‌های انقلاب اسلامی امروزه بیش از گذشته، نظام منطقه‌ای و بین‌المللی را تحت تأثیر قرار داده، واقعیتی که فراتر از منطقه خاورمیانه رفته و ایران به عنوان عنصر و عاملی تعیین‌کننده، مناسبات و معادلات بین‌المللی را نیز متأثر از خود ساخته است. فراتر از این، انقلاب اسلامی ایده‌ها، انگاره‌ها، ارزش‌ها و هنجارهایی را در قالب نظم سیاسی - دینی وارد نظام بین‌الملل کرده که موجب بازگشت دین به عرصه روابط بین‌الملل شده است.

نهادی که از منظر نظم و نظام بین‌الملل سکولار لیبرال یک ورودی آشوب‌ساز به شمار می‌رود و به عنوان متغیر سیاسی مستقل و تعیین‌کننده، نظم و نظام لیبرال سکولار حاکم در رهبری ایالات متحده را به چالش کشیده است. با وجود تأثیرات فزاینده انقلاب اسلامی ایران بر سیاست و حکومت در ایالات متحده و به‌رغم همه محدودیت‌ها و موانع، مسلمانان، شیعیان و برخی روشن‌فکران امریکایی، بازتاب حمایت‌گرانه انقلاب اسلامی در این کشور را حمل می‌کنند. تقویت رفتارها و حساسیت‌های اسلامی، رشد گرایش به اسلام و تشیع، افزایش مطالبات سیاسی مسلمانان و نهادهای همسو با آرمان‌های انقلاب اسلامی، نموده‌های عینی این نوع بازتاب‌ها هستند. هرچند موانع قوی و چالش‌های عمیقی همچون جنگ روانی گسترده و تصویرسازی ستیزه‌جویانه مقامات و رسانه‌های امریکایی علیه انقلاب اسلامی و تأثیر منفی امواج رقیب جمهوری اسلامی، بازتاب‌های «حمایت‌گرانه» را به «ستیزه‌جویانه» مبدل کرده و انقلاب اسلامی در ایالات متحده - به عنوان سرسخت‌ترین کشور در تقابل - نسبت به سایر کشورهای غربی کمترین بازتاب‌های حمایتی را تجربه کرده است.

کتابنامه

- الخطاب، احمد (۱۳۸۰)، «مسلمانان امریکا به دنبال نقش‌آفرینی در سیاست خارجی این کشور»، مترجم: ا. زارع‌زاده، *ماهنامه ترجمان سیاسی*، شماره ۲۲.
- امینیان، بهادر (۱۳۸۷)، «اسلام‌ستیزی در غرب: دلایل و ویژگی‌ها»، *فصلنامه سیاست خارجی*، بهار. ایرنا، «فعالیت گسترده شبکه پرس‌تی‌وی»، ۲ تیر ۱۳۸۶: <http://www2.irna.ir>
- برزگر، ابراهیم (۱۳۸۲)، «نظریه پخش و بازتاب انقلاب اسلامی»، *دوفصلنامه پژوهش حقوق و سیاست*، سال پنجم، شماره ۸.
- بشیر، حسن، «چهره اسلام و مسلمانان در نگاه امریکاییان»: <http://farsnews.ir/News>
- بوستون، لیتل؛ براون و کمپانی، *سالنامه کلخ سفید*، ۱۹۷۹: ۱۲۶۲.
- پانوف، میشل؛ میشل بدن (۱۳۶۸)، *فرهنگ مردم‌شناسی*؛ مترجم: اصغر عسکری خانقاه، تهران: ویس.
- پایگاه اینترنتی شیعه آنلاین، ۱۳۹۰/۱/۲۷، کد خبر: ۱۷۵۳۸.
- توفیق ابراهیم، حسین (۱۳۸۴)، «تأثیر حوادث یازدهم سپتامبر ۲۰۰۱ بر شیوه‌های مطالعه اسلام و جنبش‌های اسلامی»، *فصلنامه مطالعات خاورمیانه*، سال دوازدهم، شماره ۱.
- جرجیس، فؤاز، ای (۱۳۸۲)، *امریکا و اسلام سیاسی*، مترجم: سید محمدکمال سروریان، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- حسینی، حسن (۱۳۸۳)، *طرح خاورمیانه بزرگ‌تر (القاعده و قاعده در راهبرد امنیت ملی امریکا)*، تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.
- حشمت‌زاده، محمدباقر (۱۳۸۷)، *تأثیر انقلاب اسلامی بر کشورهای اسلامی*، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ سوم.
- خبرگزاری فارس، 88/10/14، شماره: ۸۱۰۱۴۱۵۷۱.
- دهقانی فیروزآبادی، «تأثیرات منطقه‌ای و بین‌المللی انقلاب اسلامی ایران: جایگاهی که هر روز تثبیت می‌شود»، *فردانیوز*، ۲۱ بهمن ۱۳۸۷، شماره خبر: ۱۰۰۸۹۸۶۳۲۱۳۳.
- روزنامه جمهوری اسلامی*، ۱۳۶۸/۱۱/۱۹.
- «زندگی مسلمانان در امریکا»؛ به نقل از پایگاه اینترنتی فردانیوز، ۱۳۸۹/۸/۲۴
- <http://usinfo.state.gov>
- سراج، رضا (۱۳۸۷)، «ایران‌هراسی، راهبرد جنگ روانی امریکا»، *ماهنامه بیداری اسلامی*، شماره

تیرماه.

سعید، ادوارد (۱۳۷۸)، پوشش خبری اسلام در غرب، مترجم: عبدالکریم گواهی، چاپ اول، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

_____ (۱۳۷۹)، اسلام رسانه‌ها، مترجم: اکبر افسری، تهران: توس.

سمتی، محمدمهدی (۱۳۷۶)، «نقش تروریسم در تبلیغات سیاسی امریکا علیه اصول‌گرایی»، فصلنامه سیاست دفاعی، شماره ۲۱.

شبکه جهانی سحر (۱۳۸۰)، «ضرورت‌ها و زمینه‌های شکل‌گیری شبکه جهانی سحر»: <http://sahartv.irib.ir>

شورای گسترش زبان و ادبیات فارسی (۱۳۸۶)، «مراکز آموزش زبان فارسی»: <http://www.persian-language.org>

فهمی هویدی (۱۳۷۹)، «مسلمانان امریکا و دولت جدید»، مترجم: م. باهر، ترجمان سیاسی، شماره ۱۰.

لاریجانی، محمدجواد (۱۳۷۷)، سیاست خارجی، چاپ اول، تهران: مشکوة.

لنگهاوسن، محمد، «شیعیان امریکا؛ وضعیت کنونی پس از ۱۱ سپتامبر»؛ پایگاه اینترنتی شیعه‌شناسی، 29/10/1383.

ماهنامه موعود، شماره ۷۷.

وزیری، فهیمه (۱۳۸۲)، اسلام و مسلمانان در امریکا، تهران: مرکز پژوهش‌های برون‌مرزی صدا و سیما.

Christopher, ed. (1985), *Introduction*, "in *American Hostages in Iran: The Conduct of a Crisis* (New Haven, CT: Yale University Press.

Cottam (1994), *U.S. and Soviet Responses to Islamic Political Militancy* , "The Iran Policy Trap, Foreign Policy, no. 96 ,Fall.

Esposito, ed (1983), *Symposium: Voices of Resurgent Islam* (New York: Oxford University Press.

Fuller, Graham (1991), *the Center of Universe: the Geopolitics of Iran*, Oxford: West View Press.

_____ E (1994), *The Appeal of Iran*, National Interest.

G.P.Puntam's (1982), *Sons, Crisis: The Last Year of the Carter Presidency*, New York:

Interview, Washington, DC, 30 March 1995.

Jim, Naureckas (1995), *The Oklahoma City Bombing: The Jihad Wasn't Extral*.

Jim, Zob (2004), *From Iraqi occupation to Islamic Reformation Neo-cons Aim Beyond Iraq*, Foreign Policy, Vol. 4, NO. 2.

Kuper, Adam (1985), akdJessica Kuper (ed); *The Socience Encyclopedia*; London Reutledge and Paul.

Nation Master (2006), *English Speaker (most recent) by country*, available at:
http://www.nationmaster.com/graph/lan_eng_spe-language-english-speaker.

PRESS TV (2008), "About Us", 2007, <http://www.presstv.ir/aboutus.aspx>, accessed: 18 January

Sciolino, Elaine (1995), "C.I.A. Asks Congress for \$ 19 Million to Undermine Iraq's Rules and Rein in Iran." *New York Times*, 12 April.

Sick, Gary (1985), *All Fall Down: America's Fateful Encounter With Iran*, London: 1. B.Tauris.

Simon & Schuster (1983), *Hard Choices: Critical Years in American Foreign Policy*, New York:

Slade, Shelley (1981), *The Image of the Arab in America: Analysis of a Poll on American Attitudes*," *Middle East Journal* 35, no.2.

The World Factbook (2008), *Rank Order-Internet users*, available at:
<http://www.cia.gov/library/publications/the-world-factbook/rankorder/2153rank.html>.

World Service (2008), *Iranian Media, Global Audience*, available at:
<http://worldservice.irrib.ir>.

<http://www.cia.gov/library/publications/the-world-factbook/rankorder/2153rank.html>
<http://www2.irna.ir/fa/news/view/line-2/860402321650633.html>
http://www.nationmaster.com/graph/lan_eng_spe-language-english-speaker
http://www.persian-language.org/Resource/Centers_Resource.aspx?PagePosition=1
<http://persian-language.org>
http://sahartv.irrib.ir/index.php?option=com_content&view=article&id=230&Itemid=56
<http://wikipedia.org>